

بندر عباسی در دوره نادری

احمد بازماندگان خمیری

مقدمه

سقوط صفویان و ظهور نادر موجد تحولات و تغییرات فراوانی چه در زمینه سیاست داخلی ایران و چه خارجی گردید. یکی از مهم‌ترین این دگرگونی‌ها توجه به حضور نظامی پر قدرت در خلیج فارس بود که خود موجب دگرگونی در زمینه روابط ایران و اعراب کرانه‌های جنوبی رخ داد. حضور پر قدرت ناوگان دریایی ایران در خلیج فارس پس از مدت‌ها و حملات ایرانیان به کرانه‌های جنوبی در این دوره موجب کشمکش‌ها و اختلافات بسیاری در سده‌های بعد گردید. افزایش قدرت ایران در خلیج فارس نیازمند داشتن یک پایگاه مستحکم دریایی در منطقه بود. این مقاله به بررسی چگونگی تبدیل بندرعباس تجاری به بندرعباس نظامی و دلایل پیامدهای شکست این سیاست نادر می‌پردازد. هرچند عنوان مقاله بندرعباسی در دوره نادری است، اما تغییرات روی داده در بندر عباسی را بدون توجه به رویدادهای خلیج فارس نمی‌توان مورد بررسی قرار داد. از این روی بخشی از این مقاله به بررسی اوضاع خلیج فارس و تاثیر آن بر بندر عباسی می‌پردازد.



بندر عباسی در دوره نادری

سقوط دولت صفویه بوسیله افغانه، ایران را در یک هرج و مرج فراگیر فرو برد. این هرج و مرج مناطق ساحلی خلیج فارس را بیشتر از نقاط دیگر متحمل زیان و خسران نمود. سیاست های نادرست دولت صفوی از دوره شاه عباس به بعد در مورد خلیج فارس عملاً موجب کاهش قدرت و نفوذ ایران در آن نقطه حساس گردیده بود. این سیاست غلط را به طور خلاصه می توان چنین بیان کرد: تبدیل دفاع کرانه ای به دفاع پس کرانه ای. تا پیش از تصرف جزیره هرموز بوسیله نیروهای صفوی-انگلیسی، حکومت محلی ملوک هرموز اصل سیاست خود را بر گسترش شعاع دفاعی قرار داده بود. بدین ترتیب که با گسترش حوزه نفوذ خود در اطراف عملاً هرموز را در پناه سدهای نفوذناپذیر قرار می داد. این امر به ویژه پس از تصرف جزیره کیش آشکار گردید و تا هنگام حضور پرتغالیان هیچ نیروی خارجی نتوانست تهدیدی جدی برای هرموز فراهم آورد.

این سیاست با سقوط هرموز بوسیله دولت صفویه تغییر کرد. عباس اول با ویران ساختن هرموز و ایجاد بندر مبارکه عباسی عملاً زمینه را برای کاهش حضور قدرتمند و مستمر ایران در خلیج فارس فراهم نمود. خروج تدریجی ایران از خلیج فارس موجب خلاء قدرت در منطقه گردید. اولین زنگ خطر در دوره خود عباس اول به صدا درآمد. هنگامی که اعراب نخیلو دست به شورش زدند، با ورود نیروهای صفویه به آن منطقه، شورشیان همراه با اسباب و وسایل خود بوسیله کشتی به حاشیه جنوبی خلیج فارس فرار کردند و نیروهای صفوی به دلیل فقدان کشتی های جنگی قادر به جلوگیری از فرار آنها نشدند.^۱ ناتوانی دولت صفوی در برخورد با اعراب، به ویژه اعراب کرانه های جنوبی خلیج فارس، در اواخر عمر آن حکومت شدیدتر شد، بگونه ای که حاکم بندر عباسی نتوانست از حمله اعراب مسقط به کشتی هایی که آنجا لنگر انداخته بودند، ممانعت به عمل آورد.^۲

حمله افغانه به بندر عباسی سه سال پس از سقوط اصفهان رخ داد. دلیل آن درگیری تهماسب و اختلافات داخلی آنها بود.^۳ پیش از آنها فردی بنام محمد میرزا برای مدتی حکومت بندر عباسی را در دست داشت. او مدعی بود که فرزند شاه سلطان حسین است.^۴ از این رو توانست برای خود پیروانی پیدا کند. اما تسلط افغانه بر کرانه ها بی منازعه نبود، بلکه در ابتدا

افرادی بنام شاه تهماسب به مبارزه با آنها پرداختند و پس از آن نیروهای نادر با آنها پیکار کردند.^۵ این تقابل و درگیری تا شکست اشرف از نادر ادامه پیدا کرد و سرانجام در ۹ ژانویه ۱۷۳۰م/ اول رجب ۱۱۴۲ق آخرین حاکم افغانی بنام باروخان از بندر عباسی به سوی لار عقب‌نشینی کرد.^۶ با خروج افغانه از بندر عباسی نیروهای نادر آنجا را تصرف کردند. پیش از تسلط نیروهای نادر بر شهر عده‌ای از افغانه از طریق دریا به عمان گریختند.^۷ فرار آن عده نقطه ضعف عمده ایران در خلیج فارس را آشکار ساخت و آن فقدان یک ناوگان دریایی برای جلوگیری از ورود و خروج دشمنان به داخل خاک ایران بود. علاوه بر آن نادر دریافت که امنیت کرانه‌های ساحلی ایران در خلیج فارس بدون تسلط بر بخش جنوبی و نظارت دائمی بر آنجا امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر این سیاست نادر دقیقاً منطبق است بر سیاستی که ملوک هرموز برای چندین قرن در پیش گرفته بودند: گسترش دایره دفاعی برای حفظ نقطه مرکزی. برای این منظور نادر می‌بایست در ابتدا در آب‌های خلیج فارس قدرت‌نمایی می‌کرد و پس از آن به گسترش نفوذ خود در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس می‌پرداخت. این دو امر میسر نمی‌گردید مگر با داشتن یک ناوگان دریایی قوی که بوسیله آن بتواند تمامی عوامل ناامنی در خلیج فارس را از میان بردارد. اولین قدم در این راه یافتن مکانی جهت تمرکز قوا و فرماندهی عملیات و نظارت بر خلیج فارس بود. بی‌تردید در آن هنگام بندر عباسی بهترین نقطه برای این منظور بود. این بندر ویژگی‌های منحصر به فردی داشت که عبارت بودند از: ۱- داشتن سواحل و کرانه‌هایی که هم برای لنگر انداختن و هم برای پناه دادن کشتی بسیار مناسب بود، ۲- داشتن راه‌های ارتباطی مناسب با شهرهای مهم داخل ایران، ۳- نزدیکی آن به تنگه هرمز، ۴- نزدیکی آن به هندوستان، ۵- استقرار تجارت‌خانه‌های مهم خارجی در آن. این مزایا همان گونه که عباس اول را ترغیب به ایجاد بندر تجاری مبارکه عباسی نمود، باعث تبدیل آن به یک بندر نظامی از سوی نادر گردید. پس از آن نادر شروع کرد به خرید کشتی از کشورهای اروپایی برای تشکیل ناوگان خود. او در سال ۱۷۳۶م/ ۱۱۴۵ق محمد لطیف خان را با منصب دریاسالاری برای این منظور به بندر عباسی فرستاد.^۸ او در ماموریت خود موفقیت چندانی به دست نیاورد. زیرا انگلیسیها از فروش کشتی به او خودداری کردند.^۹ به جای آن، آنها پیشنهاد کمک به ایران برای خرید کشتی از



سورات هندوستان را دادند. آنها همچنین وعده اجاره چهار کشتی، دو کشتی هلندی و دو کشتی انگلیسی، برای استفاده بر ضد شورشیان در جزیره کیش را دادند.^{۱۰}

در سال بعد لطیف خان موفق به خرید سه کشتی از اروپائیان شد.^{۱۱} آن کشتی‌ها هسته اولیه ناوگان دریای ایران در دوره نادر را تشکیل دادند. به مرور زمان نادر توانست بر تعداد کشتی‌های ناوگان خود بیفزاید. برخی از این کشتی‌ها را از کارگاه‌های کشتی‌سازی در سورات تهیه می‌کردند، اما خرید آنها هزینه‌های سنگینی را دربرداشت. تهیه این هزینه‌ها بر دوش مردم منطقه جنوب بود. به گونه‌ای که در سال ۱۷۳۵م/ ۱۳۴۸ق تنها از مردم گرمسیرات ۳۰۰۰ تومان مالیات فوق‌العاده برای این منظور اخذ شد. برای گرفتن این مالیات‌ها تعدیات بسیاری رخ داد که در نتیجه آن شماری از مردم جان خود را از دست دادند.^{۱۲} در سال ۱۷۳۸م/ ۱۱۵۱ق بعد از فتح دهلی نادر از نظام الملک والی دکن، درخواست کرد تا ۲۰ کشتی را به بندر عباسی بفرستد.^{۱۳}

در کنار خرید کشتی نادر تصمیم گرفت در جنوب ایران کارگاه‌های کشتی‌سازی تاسیس کند ساخت کشتی مستلزم وجود چوب مرغوب بود چیزی که در مناطق ساحلی خلیج فارس یافت نمی‌شد. برای تهیه چوب نادر دستور داد از ایالات شمالی چوب را به کرانه‌های خلیج فارس انتقال دهند.^{۱۴} «برای این کار رعایای او مجبور بودند که باخرج خود قطعات چوبهای بزرگ را از مسافت ۳۰۰ فرسنگی واز میان یک صحرای هولناک و بی آب و علف بیاورند».^{۱۵} این عمل نادر چیزی جز مرگ هزاران نفری که مجبور به جابجایی این چوبها بودند نتیجه دیگری دربرداشت.^{۱۶}

در تاریخ کار ملیت‌ها به ساخت تعداد کشتی در بندر عباسی اشاره شده است.^{۱۷} نادر علاوه بر طرح ایجاد کارگاه کشتی‌سازی در بندر عباسی دستور ساخت یک کارخانه توپ‌ریزی را در آنجا صادر کرد.^{۱۸} برخی از منابع به ساخت تعدادی توپ مسی در این کارخانه اشاره کرده‌اند.^{۱۹} از این کارخانه متأسفانه اطلاعات دیگری در دست نیست. تا جایی که نگارنده بررسی کرده این اولین کارخانه توپ‌ریزی در بندر عباسی است.

این اقدامات نادر موجب تقویت توان دریایی ایران در خلیج فارس گردید. به موازات آن بندر عباسی نیز از شکل یک بندر تجاری خارج و به یک بندر نظامی تبدیل گردید. این تغییر و

تبدیل هم بر زندگی اجتماعی و هم بر زندگی اقتصادی مردم تاثیر مستقیم داشت. این تاثیر بیشتر دارای جنبه‌های منفی بود تا مثبت. تشکیل و اداره ناوگان دریایی نیازمند هزینه‌های گزاف بود. این هزینه از طریق وضع مالیاتهای فوق‌العاده بر مردم و تجار و یا با استقراض از تجارت‌خانه‌های خارجی تامین می‌گردید. اخذ مالیات‌ها با نارواییها و ستم‌های بی‌شماری همراه بود. حزین لاهیجی که در دوره نادر از بندر عباسی دیدن کرده پس از اشاره به ظلم‌هایی که مردم شهر در دوران افغانه متحمل شده‌اند دربارهٔ حال مردم می‌نویسد: «... گمشنگان دیوان و عمال بر هر کس به وجوه مختلفه اصناف زر در پیش داشتند، عذر و عجز و لایهٔ کسی مسموع نبود و هر کسی به حال خود در مانده، دادرسی در میان نه.»^{۲۰} او در سفر بعدی خود حال مردم را چنان پریشان یافت که طاقت ماندن در آنجا را نیافت و در شرح حال مردم بندر عباسی این بیت را آورده است:

یداوی بماء من یغص بلقمه و کیف اداوی ان شرت بماء

یعنی: هر کسی لقمه گلو گیرش شود آن را با آب علاج می‌کند ولی اگر با آب گلوگیر شوم چگونه مداوا کنم.^{۲۱}

چند سال بعد هم، زمان با یورش اعراب، شهر مورد حمله ملخها قرار گرفت و شهر را با چنان قحطی روبرو کرد که: «هرگاه به کوچه و خیابان می‌رفتی آنها (مردم) را می‌دید که در کف راه دراز کشیده‌اند و جنازه‌های آدمیان پراکنده است یا در حال جان‌کندن است». اما کسی حاضر نمی‌شد حتی جنازه‌های آنان را دفن کند.^{۲۲}

در همین دوره به دلیل کمبود آذوقهٔ نیروهای ایرانی در جلفار هر آنچه غذا و تدارکات در بندر عباسی یافت می‌شد بدانجا گسیل داشتند. این امر منجر به قحطی بسیار شدیدی در بندر عباسی گشت به گونه‌ای که «تهی‌دستان به ناچار مانند چارپایان به خوردن علف پرداختند».^{۲۳} این شرایط بر زندگی اجتماعی - اقتصادی بندر عباسی ضربات کشنده‌ای وارد آورد. تجار که سرمایه‌های خود را هر لحظه در معرض خطر می‌دیدند دیگر تمایلی برای رفتن به آنجا و انجام داد و ستد نداشتند. شورشیان و نیروهای دولتی به طور یکسان مردم را مورد تاراج قرار می‌دادند. از این‌رو حتی مردم عادی نیز دیگر رغبتی برای ماندن در شهر نداشتند. به همین دلیل است که هلندیان در این دوره بندر عباسی را «بندر در حال مرگ» نامیدند.^{۲۴}



تشکیل ناوگان شاهی و قدرت نمایی نادر در خلیج فارس خواه ناخواه به درگیری و کشمکش با اعراب سواحل کرانه های جنوبی خلیج فارس منتهی می گردید. اولین برخورد نیروی دریای نادر با اعراب در سال ۱۷۳۶م / ۱۱۴۹ق بر سر مسئله بحرین رخ داد. بحرین که در اثر اغتشاشات اواخر دوره صفوی از زیر اطاعت دولت مرکزی ایران خارج شده بود توسط شیوخ محلی اداره می شد، در این سال بوسیله نیروهای ایرانی دوباره تصرف گردید و کارگزاران دولت نادری به رتق وفتق امور آن پرداختند.^{۲۵} پس از آن نوبت به سرکوبی سرکشی و راهزنی های شیوخ قواسم رسید که با اعمال خود گردش کالا در خلیج فارس را مختل کرده بودند^{۲۶} اما نبرد اصلی نیروهای نادر با امامان مسقط بود. آنها پس از اخراج پرتغالی ها توانستند بزرگترین ناوگان دریایی بومی را در خلیج فارس ایجاد کنند. در سال ۱۷۱۷م / ۱۱۲۹ق قدرت آنها چنان افزایش یافت که بی مهابا با بسیاری از جزایر و بنادر ایران را مورد تاخت و تاز قرار می دادند.^{۲۷} در سال ۱۷۳۲م / ۱۱۴۵ق در اثر اختلاف و انشقاق خاندان سلطنتی بین بلعرب بن حمیر و سیف بن سلطان بر سر امامت عمان جنگ داخلی آغاز گردید.^{۲۸} در سال ۱۷۳۷م / ۱۱۴۹ق سیف بن سلطان که از رقیب خود متحمل شکست هایی شده بود، از نادر تقاضای کمک نمود^{۲۹} نادر که متظر چنین فرصتی بود در همان سال نیروهایی را به ظاهر برای کمک به سیف بن سلطان و در باطن برای تصرف عمان بدان سوی گسیل داد.^{۳۰} نیروی اعزامی شامل ۴ کشتی بزرگ، ۲ کشتی متوسط و چندین کشتی کوچک بود^{۳۱} که ۵۰۰۰ سرباز و ۱۵۰۰ رأس اسب را حمل می کردند^{۳۲} بر فراز کشتی دریاسالار، پرچمی سفید برافراشته بودند که تصویر شمشیر سرخی در میان آن نقش بر بسته بود.^{۳۳}

هرچند این نیروها در ابتدا پیروزی هایی را بدست آوردند^{۳۴} اما بعدها به دلیل صلح بین سیف و بلعرب و اتحاد آن دو بر ضد ایرانیان، متحمل شکست هایی شدند و ناگزیر به عقب نشینی به جلفار گردیدند.^{۳۵} نادر چند سال بعد باز هم تلاش نمود تا در سرزمین عمان متصرفاتی را بدست آورد^{۳۶} اما این پیروزی ها نیز کم دوام و زودگذر بود و تنها جلفا تا بعد از مرگ نادر در دست نیروهای ایرانی باقی ماند.^{۳۷}

در مورد عدم موفقیت نیروهای ایرانی در عمان می‌توان دلایل زیادی را برشمرد که شاید مهم‌ترین آنها عبارت باشند از:

۱- تفاوت مذهبی بین ایرانیان و اعراب عمان که موجب کشتار بیرحمانه از سوی دو گروه شده بود؛^{۳۸}

۲- اختلاف کشمکش بین فرماندهان ایرانی و ملوانان عرب مشکل اصلی ناوگان دریایی نادر کمبود ملوانان زنده ایرانی و اتکای زیاد این ناوگان به ملوانان و جاشویان عرب بود. به دلیل عدم درک و آشنایی بسیاری از دریا سالاران با مسایل دریا و دریانوردی همیشه بین آنها و ملوانان اختلاف و درگیری بروز می‌کرد که در برخی مواقع این اختلافات به شورش نیز ختم می‌گردید. به‌گونه‌ای که در دوره نادر شاهد بروز چندین شورش و خودسری در ناوگان شاهی هستیم که موجب تضعیف و کاهش کارآمدی آن گردید.^{۳۹}

۳- اختلاف و رقابت بین فرماندهان ایرانی^{۴۰}

شکست سیاست نادر درخصوص بندرعباسی و خلیج فارس نتایج و پیامدهای مصیبت‌باری به دنبال داشت. پس از مرگ نادر ایران بار دیگر دچار بحران گردید. سپاهیان نادر که در بندرعباسی مستقر بودند دست به شورش زدند و شهر را غارت کردند.^{۴۱} از آن پس تا زمان استقرار قدرت کریم خان هر یک از مدعیان سلطنت سعی می‌کردند در طی مدت تسلط بر کرانه‌ها، کیسه‌های خود را پر سازند. اما در این میان بیشترین خطر و لطمات از جانب اعراب متوجه بندرعباسی گردید. آنها با راهزنی دریایی و غارت موجبات بروز ناامنی و فرار جمعیت از بندرعباسی را فراهم نمودند.^{۴۲} به‌گونه‌ای که در سال ۱۷۵۵م/ ۱۱۶۹ق برای تخلیه کالا از کشتی در شهر، باربر یافت نشد.^{۴۳}

از این دوره به بعد تغییری در نگرش اعراب در قبال سواحل و جزایر ایرانی روی داد. اگر پیش از این هدف آنها غارت و چپاول بود، در این هنگام مقصود تصرف و تسلط بود. در این بین آنچه که آنها را در رسیدن به هدفشان یاری می‌رساند، وجود مدعیان قدرتی بود که به مدد و کمک آنها نیاز داشتند.^{۴۴} این مدعیان از نیروهای جنگاوری و کشتی‌های جنگی آنها بر ضد رقیبان خود سود می‌بردند. این خود عاملی شد برای سهولت ورود آنها به خاک اصلی ایران. در دوره



قاجار به دلیل درگیری و منازعات در شمال غرب و غرب به سواحل و بنادر توجه کمتری می‌شد. اعراب از این فرصت سود جسته و بسیاری از بنادر و جزایر ایران تصرف کردند و دولت قاجار برای این که از این قبل سودی ببرد طی مقاوله‌نامه‌ای از آنها اجاره می‌گرفت.

نتیجه

پس از تصرف جزیره هرموز بوسیله دولت صفوی سیاست ایران نسبت به خلیج فارس دگرگون شد. دولت صفوی به جای افزایش قدرت نظامی خود، تلاش نمود تا با ترویج تجارت و بازرگانی و برقراری روابط تجاری با نقاط مختلف جهان بطور غیر مستقیم در خلیج فارس نفوذ کند. اما به دلیل عدم وجود امکانات لازم این سیاست به شکست منجر گشت. این تغییر سیاست در بلند مدت موجب خروج ایران از صحنه نظامی خلیج فارس گردید. با به قدرت رسیدن نادر تلاش شد تا نفوذ ایران اعاده شود. نادر برخلاف عباس اول به جای ترویج و تشویق تجارت به قدرت نظامی اعتقاد داشت. از این روی با تبدیل بندر عباسی تجاری به بندر عباسی نظامی سعی گردید زمینه حضور پر قدرت ایران در خلیج فارس فراهم گردد. اما نادر نیز همچون عباس اول شکست خورد.

هرچند می‌توان برای شکست نادر دلایل بی‌شماری را برشمرد، اما علتی که موجب شکست هر دو سیاست گردید عدم توجه به زمینه‌های سیاسی - اجتماعی منطقه بود. کرانه‌های جنوبی خلیج فارس سکونت‌گاه قبایل بی‌شمار عرب بود. این اعراب دارای روحیه جنگاوری و غارتگری بودند. هم عباس اول و هم نادر به جای مشارکت دادن آنها در امنیت و تجارت خلیج فارس، سعی نمودند آنها را از سود و مزایای یک خلیج فارس امن بی‌نصیب بگذارند. این امر موجب ایجاد جو بی‌اعتمادی از سوی اعراب نسبت به ایرانیان گردید. شاید به همین دلیل اعراب پس از مرگ شروع به تصرف کرانه ساحلی ایران کردند تا مبدا در صورت ظهور یک دولت قدرتمند در ایران آنها بتوانند مجال و فرصتی برای مشارکت در مسائل خلیج فارس داشته باشند.

پی‌نوشت‌ها

1. Carre.Abbe:the Travels of the Abbe Carre in the India and the New East 1672 to 1674.III volume.second series.No.Xcill Issued for 1948.vol:1 p:100.
۲. فلور، ویلم، *برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان*، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۵، ص ۲۰.
۳. فلور، ویلم، *اشرف افغان در تختگاه اصفهان*، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۶۷، ص ۳۸.
۴. همان، ص ۱۲۰.
۵. فلور، ویلم، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران*، شورش شیخ احمد مدنی در لارستان و گرمسیرات (۱۷۳۳-۱۷۳۰)، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۱۴۶. فلور: اشرف افغان در تختگاه اصفهان، ص ۸۹.
۶. فلور، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران*، ص ۱۴۶.
۷. صالح محمد العابد، *دور القواسم فی الخليج العربی ۱۸۲۰-۱۷۶۷م*، کلیة القانون و السیاسه، جامعة البغداد، مطبعة العانی، بغداد، ۱۹۷۶، ص ۵۴.
۸. همان، ص ۵۵.
۹. فلور، ویلم، *هلندیان در جزیره خارک*، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۷۰، ص ۲۶۵.
۱۰. صالح محمد العابد، *دور القواسم*، ص ۵۰.
۱۱. همان‌جا.
۱۲. فلور، ویلم، *حکومت نادرشاه به روایت منابع هلندی*، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۵۱. فلور، *هلندیان در جزیره خارک*، ص ۲۷۰.
۱۳. میرزا مهدی‌خان استرآبادی، *دره نادره*، به اهتمام دکتر سید جعفر شهیدی، چاپخانه دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۱، ص ۵۸۰.
۱۴. *نامه‌های شگفت انگیز از دوران صفویه و افشاریه*، کشیشان ژزوئیت، ترجمه بهرام فره‌وشی، موسسه علمی اندیشه جوان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۲۰۵.
- The Cambridge History of Iran.vol 7 From Nadershah to Islamic Republic, edited by:peter Avery-cambridge University-press first published-1991-p:44
۱۵. بازن، *نامه‌های طیب نادر شاه*، ترجمه علی اصغر حریری، انتشارات تابان، تهران، ۱۳۴۰، ص ۴۳.
۱۶. همان‌جا.
17. A Chronicle if the Carmelites in prrsia and the pape mission Of the XVIIth and XVIII th centuries-II volume-Eyre and Spottiswood-london-1939.vol I, p:639.
۱۸. لکه‌پارت، لارنس، *نادرشاه*، ترجمه و اقتباس مشفق همدانی، انتشارات ابن سینا و صفی‌علی‌شاه، تهران، ۱۳۳۱، ص ۲۷۲.
۱۹. فلور، *هلندیان در جزیره خارک*، ص ۲۶۹.
۲۰. شیخ محمد علی حزین لاهیجی، *تاریخ و سفرنامه حزین*، تحقیق و تصحیح علی دوانی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۲۴۵.
۲۱. همان، ص ۲۵۶.



۲۲. فلور، حکومت نادرشاه، ص ۱۷۴.
۲۳. فلور، هلندیان در جزیره خارک، ص ۲۷۷.
۲۴. همان، ص ۱۳.
۲۵. صالح محمد العابد، دور القواسم، ص ۵۶.
۲۶. همان، ص ۹۰.
۲۷. عبدالامیر محمد امین، منافع انگلیسی ها در خلیج فارس، ترجمه علی میرسعید قاضی، انتشارات زرین، تهران چاپ اول، ۱۳۶۷، ص ۲۸.
۲۸. سالم بن حمود شامس السیابی، عمان عبر التاريخ، الجزء الرابع، وزارة التراث القومي و الثقافة، مسقط، ۲۰۰۱، ص ۹۳.
۲۹. همان، ص ۹۸؛ لکهارت، نادر شاه، ص ۲۳۲.
۳۰. صالح محمد العابد، دور القواسم، ص ۵۷؛ لکهارت، نادر شاه، ص ۲۳۲ همان جا.
۳۱. اقبال آشتیانی، عباس، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۸، ص ۱۰۲.
۳۲. همان جا.
۳۳. فلور، حکومت نادر شاه، ص ۱۶۹.
۳۴. فلور، هلندیان در جزیره خارک، ص ۲۷۶.
۳۵. اقبال آشتیانی، مطالعاتی در باب...، ص ۱۰۵.
۳۶. همان، ص ۱۰۷.
۳۷. سالم بن حمود، عمان عبر التاريخ، ج ۴، ص ۱۳۵.
۳۸. اقبال آشتیانی: مطالعاتی در باب...، ص ۱۰۴؛ لکهارت، نادر شاه، ص ۲۷۰؛ صالح محمد العابد، دور القواسم، ص ۵۸؛ فلور، هلندیان در جزیره خارک، ص ۲۷۹.
40. S.R.Charles Belgrave: The Pirate Coast-Librarie-DV Libnan Beirut, second Impression, 1972, p:20.
۴۱. فلور، ویلم، اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۱۸۲.
۴۲. عبدالامیر محمد امین، منافع انگلیسی ها در خلیج فارس، ص ۳۶.
۴۳. فلور، اختلاف تجاری ایران و هلند، ص ۱۹۸.